روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: موسسه مطبوعاتی نشرگستر امروز نوین تلفن: ۰۹۳۸۵۲۲۱۰۱۶ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

یکشنبه ۲۴ اسفند ۱۴۰۴ • ۲۵ رمضان ۱۴۴۷ • ۱۵ مارس ۲۰۲۶ • سال بیست‌ودوم • شماره ۵۳۴۷ • ۸ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۱۳ • اذان مغرب ۱۸:۳۰ • اذان صبح فردا ۴:۵۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۵

گروه‌های جهادی دانشجویی با حضور در مناطق مسکونی آسیب‌دیده حملات هوایی آمریکایی-صهیونیستی، اقدام به بازسازی و تعویض درها و پنجره‌ها کردند.
عکس: مرضیه سلیمانی، ایرنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

یادداشت

تجاوز به حاکمیت ملی

نیروانامهرآئین

در شرایطی که جهان نظاره‌گر تشدید تنش‌ها و تحولات حساس در خاورمیانه است، حمله اخیر به تأسیسات حیاتی صنعت نفت ایران، نه‌تنها نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور ملل متحد محسوب شده و نگرانی‌هایی جدی را در میان جامعه جهانی برانگیخته است، بلکه پرده از ابعاد پیچیده‌تر و نامتقارن جنگی نوینی برمی‌دارد که در سایه دیپلماسی پرهیاهو، در حال پیگیری است. این اقدام که با هدف ضربه‌زدن به یکی از پایه‌های اصلی اقتصاد و امنیت انرژی ایران صورت گرفته است، نه‌تنها تجاوزی مستقیم به حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران تلقی می‌شود، بلکه پیامدهای بالقوه‌ای برای ثبات منطقه‌ای و بازارهای جهانی انرژی در پی خواهد داشت و ابعاد اقتصادی-امنیتی این جنگ را بیش از پیش نمایان می‌کند.

از منظر حقوق بین‌الملل، توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی هر دولتی، صراحتا ممنوع است، مگر در موارد دفاع مشروع یا با مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد. حمله به مراکز صنعتی و زیرساخت‌های غیرنظامی، حتی در شرایط درگیری، تابع قواعد حقوق بشردوستانه بین‌المللی است که هدف قراردادن عامدانه این‌گونه اهداف را محدود یا ممنوع می‌کند. در این راستا، جمهوری اسلامی ایران حق مسلم خود را برای پیگیری این تجاوز در مجامع بین‌المللی، ازجمله سازمان ملل متحد و سایر نهادهای ذی‌صلاح، محفوظ می‌دارد و انتظار می‌رود جامعه جهانی با محکومیت این عمل، خواستار پاسخ‌گویی عاملان آن شوند. فراتر از جنبه‌های حقوقی، این حمله را باید در چارچوب جنگ اقتصادی و ترکیبی (Hybrid Warfare) ارزیابی کرد؛ جایی که ابزارهای نظامی، سایبری، اطلاعاتی و اقتصادی در هم تنیده شده تا اهداف راهبردی دشمن محقق شود.

در عرصه سیاسی و دیپلماتیک، این حمله می‌تواند به تشدید ناامنی در منطقه‌ای که از پیش نیز آبستن بحران‌های متعددی بوده است، دامن بزند. جامعه بین‌المللی، با توجه به نقش ایران در ثبات منطقه‌ای و بازارهای جهانی انرژی، باید نسبت به پیامدهای چنین اقداماتی هوشیار باشد. درخواست‌های ایران برای توقف فوری این تجاوزات و اتخاذ رویکردی مبتنی بر گفت‌وگو و احترام متقابل، نشان‌دهنده تمایل تهران به حفظ صلح و امنیت در چارچوب قوانین بین‌المللی است. در مقابل، اقدامات خصمانه و تجاوزگرانه، نه‌تنها اراده ملت ایران را در هم نخواهد شکست، بلکه انزوای بیشتر عاملان آن و افزایش بی‌اعتمادی در روابط بین‌الملل را رقم خواهد زد. نکته قابل تأمل در این میان، استفاده ابزاری از بحران‌های انرژی برای اعمال فشار سیاسی و اقتصادی بر کشورهای مستقل است؛ سیاستی که ثبات جهانی را به‌طور جدی تهدید می‌کند.

بااین‌حال، این ملت مقاوم، در عین پایبندی به اصول و موازین بین‌المللی، هرگز اجازه نخواهد داد تجاوز به حاکمیت و زیرساخت‌هایش بی‌پاسخ بماند. نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با اتکا به توانمندی‌های دفاعی خود و با درک عمق توطئه‌های دشمنان، آماده‌اند تا در صورت لزوم، پاسخی قاطع و پشیمان‌کننده به متجاوزان داده و بار دیگر اثبات کنند که امنیت و منافع ملی ایران خط قرمز نظام اسلامی است. این حمله نه‌تنها تلاشی مذبوحانه برای ایجاد اختلال در بازار انرژی جهان و تأثیرگذاری بر اقتصادهای وابسته به نفت است، بلکه پاسخی که ایران خواهد داد، می‌تواند پیامی بازدارنده و قاطع برای تمامی کسانی باشد که سودای تعرض به این سرزمین را در سر می‌پرورانند. این ملت نه‌تنها در برابر تجاوز به خاک خود مقاومت می‌کند، بلکه با تکیه بر حقانیت و قوانین بین‌المللی، صدای دادخواهی خود را به گوش جهانیان خواهد رساند و در عین حال، آمادگی خود را برای دفاع از منافع ملی و منطقه‌ای در برابر هرگونه تهدید، به نمایش خواهد گذاشت. این جنگ نامتقارن، نبردی است که در آن قدرت اراده ملی و انسجام داخلی، در کنار توانمندی‌های دفاعی، تعیین‌کننده پیروزی نهایی خواهد بود.

درخواست ۱۱۴۴ نفر از جامعه جهانی

دادخواست جامعه مدنی ایران علیه جنایت در مدرسه

هزارو ۱۴۴ نفر از اهالی فرهنگ، اقتصاد و تفکر در نامه‌ای جنایت جنگی حمله به مدرسه میناب را محکوم کردند. اسامی افرادی همچون عبدالکریم سروش، محمدجواد ظریف، عباس آخوندی، فیض‌الله عربسرخی، بهاره آروین، تقی آزاد ارمکی، مرضیه آذرافزا، احمد سلامتیان، محمد عطریانفر، ظریفیان، عموزاده خلیلی، فاضل میبدی، محسن کدیور، مینو مرتاضی، حمید آصفی، معصومه ابتکار، لطف‌الله میثمی، شهیندخت مولاوردی، بهزاد اتابکی، مرضیه ادهم، کیومرث اشتریان، مرتضی الویری، ضیا هاشمی، جواد امام، کمال اورعی، عماد بهاور، علیرضا تابش، عبدالرضا تاجیک، حسین جابری‌انصاری، علی ربیعی، مصطفی رحماندوست، شمس‌الواعظین، احمد شیرزاد، رویا صدر، محسن صفایی‌فراهانی، کیوان صمیمی و شهاب طباطبایی در این دادخواست به چشم می‌خورد. این متن در حقیقت دادخواستی از جامعه جهانی برای محکوم‌کردن حمله به مدرسه دخترانه و کشته‌شدن دانش‌آموزان است. به ابتکار کمپین «به نام ایران» که در جنگ رمضان با شعار «مراقبت از ایران» فعالیت می‌کند، دادخواست طیف وسیع و متکثری از چهره‌های شاخص و فعالان مدنی و سیاسی ایرانی در محکومیت و پیگیری حقوقی جنایت جنگی آمریکا و اسرائیل در مدرسه شجره طیبه میناب که به شهادت ۱۶۸ دانش‌آموز هم‌وطنمان انجامید، به دو زبان انگلیسی و فارسی خطاب به نهادهای بین‌المللی و ملی صاحب صلاحیت برای پیگیری حقوقی این جنایت منتشر شد. این دادخواست به امضای بیش از هزارو ۱۴۴ نفر از پژوهشگران، فعالان مدنی و سیاسی شناخته‌شده ایران رسیده است. امضاکنندگان این دادخواست از تمامی مراجع مسئول بین‌المللی و ملی، ازجمله دیوان کیفر بین‌المللی، شورای امنیت، شورای حقوق بشر سازمان ملل و دادگاه‌ها و دادستانی‌های ملی با صلاحیت جهانی، خواسته‌اند با فوریت و قاطعیت برای کشف حقیقت، تحقق عدالت و پاسخ‌گوکردن عاملان این جنایت اقدام کنند. در این سند حقوقی با استناد به نقض صریح بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و با تأکید بر کشته‌شدن ۱۶۸ دانش‌آموز خردسال، این حمله به‌عنوان «جنایت جنگی» و «تجاوز آشکار» توصیف شده است. امضاکنندگان این بیانیه با رد ادعای دفاع مشروع، از دادستان‌های کشورهای دارای «صلاحیت جهانی» ازجمله آلمان، فرانسه و بلژیک خواسته‌اند تا بدون در نظر گرفتن ملاحظات سیاسی، نسبت به صدور قرار تعقیب بین‌المللی برای مسئولان این واقعه اقدام کنند. نسخه انگلیسی بیانیه هم توسط Global Conscience Initiative منتشر شده و به امضای ده‌ها نفر از شخصیت‌های برجسته جهانی رسیده است. جرمی کوربین، احمد داوودواغلو، عبدالله گل، محمدجواد ظریف، توکل کرمان و محمد البرادعی ازجمله این چهره‌های بین‌المللی هستند. متن کامل دادخواست خطاب به نهادهای زیر نوشته شده است:

دادستان دیوان کیفری بین‌المللی، شورای امنیت سازمان ملل متحد، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد و دبیرکل سازمان ملل متحد.

دادستان‌ها و مراجع قضائی ملی در کشورهایی که اصل صلاحیت جهانی نسبت به جنایات بین‌المللی را به رسمیت شناخته‌اند، ازجمله آلمان، فرانسه، بلژیک، اسپانیا، نروژ، هلند و سایر کشورهایی که قوانین داخلی آنها اجازه رسیدگی به جنایات بین‌المللی تحت اصل صلاحیت جهانی را می‌دهد.

امضاکنندگان این دادخواست با نهایت نگرانی و احساس مسئولیت نسبت به صیانت از اصول بنیادین انسانی و حقوق بین‌الملل، توجه فوری مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی و ملی را به سلسله اقداماتی جلب می‌کنند که در پی حمله نظامی غیرقانونی ایالات متحده آمریکا و اسرائیل علیه خاک جمهوری اسلامی ایران در تاریخ بیست‌وهشتم فوریه ۲۰۲۶ رخ داده است؛ حمله‌ای که بنا بر معیارهای مسلم حقوق بین‌الملل عمومی، نقض آشکار و جدی اصل منع توسل به زور مندرج در بند چهار ماده دوم منشور سازمان ملل متحد محسوب می‌شود.

اصل منع توسل به زور یکی از ارکان اساسی نظم حقوقی بین‌المللی معاصر است و تنها در دو وضعیت کاملا استثنائی قابل عدول است: نخست، در صورت صدور مجوز صریح از سوی شورای امنیت سازمان ملل متحد و دوم، در چارچوب اعمال حق دفاع مشروع در برابر حمله مسلحانه واقعی، جاری یا قریب‌الوقوع مطابق با ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد.

در مورد حمله مورد بحث، هیچ‌یک از شرایط فوق تحقق نیافته است. شورای امنیت هیچ‌گونه مجوزی برای توسل به زور صادر نکرده و هیچ شواهد معتبر و قابل اتکایی که وجود یک حمله مسلحانه یا تهدید فوری و اجتناب‌ناپذیر علیه ایالات متحده آمریکا یا اسرائیل را اثبات کند، ارائه نشده است. از این‌رو، ادعاهای مطرح‌شده از سوی مقامات آمریکایی و اسرائیلی مبنی بر توجیه این عملیات در چارچوب اصل «دفاع مشروع»، از منظر حقوق بین‌الملل فاقد مبنای حقوقی و در تعارض با معیارهای پذیرفته‌شده تفسیر ماده ۵۱ منشور است. در نتیجه، حمله مزبور باید در چارچوب حقوق بین‌الملل به‌عنوان استفاده غیرقانونی از زور و اقدامی متضمن عناصر تجاوزکارانه مورد ارزیابی قرار گیرد. این اقدام، نه واکنشی ضروری به یک تهدید فوری و واقعی، بلکه اقدامی از پیش برنامه‌ریزی‌شده، هم‌زمان با مذاکرات دیپلماتیک و کاملا فاقد ضرورت نظامی بوده است.

علاوه بر این، این تجاوز غیرقانونی زمینه‌ساز نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی و ارتکاب جنایات جنگی علیه جمعیت غیرنظامی شده و آثار آن از همان مراحل اولیه اجرای عملیات آشکار شده است. در میان این نقض‌ها، حمله مرگبار به یک مدرسه ابتدایی در شهر میناب -که به کشته‌شدن ده‌ها کودک انجامید- از حیث شدت و ابعاد انسانی آن، نمونه‌ای تکان‌دهنده از بی‌اعتنایی آشکار به اصول بنیادین حقوق مخاصمات مسلحانه به شمار می‌رود.

با توجه به ماهیت این رویداد و تعهد جامعه بین‌المللی به مبارزه با مصونیت از مجازات در قبال جنایات بین‌المللی، امضاکنندگان این دادخواست از مراجع ذی‌صلاح بین‌المللی و ملی درخواست می‌کنند که تحقیقی فوری، مستقل، بی‌طرفانه و مؤثر درباره این حمله آغاز کرده و مسئولان آن را در تمامی سطوح فرماندهی و تصمیم‌گیری مورد پیگرد کیفری قرار دهند.

همچنین، با توجه به اینکه بسیاری از کشورها اصل صلاحیت جهانی را نسبت به جنایات جنگی، جنایات علیه بشریت و جنایات تجاوز به رسمیت شناخته‌اند، دادگاه‌ها و دادستان‌های ملی در کشورهای اروپایی، آمریکایی و سایر حوزه‌های قضائی دارای این صلاحیت می‌توانند مستقل از محل وقوع جرم یا تابعیت مرتکبان، تحقیقات کیفری آغاز کرده و در صورت احراز مسئولیت، قرار تعقیب و کیفرخواست صادر کنند. این امر شامل کشورهایی همچون آلمان، فرانسه، بلژیک، اسپانیا، نروژ، هلند و سایر کشورهایی است که قوانین داخلی آنها اجازه رسیدگی به جنایات بین‌المللی تحت اصل صلاحیت جهانی را می‌دهد.

***متن کامل و اسامی کامل در سایت «شرق» آماده است**

یادداشت

ایران چگونه پس از جنگ تحمیلی به هژمونی منطقه تبدیل می‌شود؟

مهدی زارع

نهم اسفند ۱۴۰۴، تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل بلافاصله با پاسخ گسترده ایران مواجه شد. این تجاوز نظامی ابرقدرت آمریکا، ۸۴ سال پس از تجاوز ابرقدرت‌های زمان -شوروی و انگلیس- به کشور ما انجام شد. در سال ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی به چنان درجه‌ای از توانمندی رسیده بود که ایران پاسخ به تجاوز نظامی را بلافاصله با ضدحمله‌ای گسترده با موشک، پهپاد، حملات هوایی و دریایی داد. ولی در اوایل جنگ جهانی دوم در سوم شهریور ۱۳۲۰، نیروهای متفقین از شمال و جنوب بدون اعلام رسمی، به ایران وارد شدند. این اشغال که به بهانه همکاری حکومت رضاشاه با آلمان نازی انجام شد، به نوشته عبدالرضا هوشنگ‌مهدوی در کتاب «تاریخ روابط خارجی ایران»، با ورود نیروهای شوروی و انگلستان به ایران آغاز شد. نیروهای شوروی در سه ستون وارد خاک ایران شدند. ستون اول مرکب از دو هزار سرباز از رود ارس گذشته، ماکو و خوی را تا ساحل دریاچه رضائیه/ارومیه تصرف کردند و آنگاه متوجه ارومیه و تبریز شدند. ستون دوم هم از کرانه دریای مازندران به سوی اردبیل و بندر انزلی سرازیر شدند و پس از تصرف رشت و چند شهر دیگر مهم گیلان و مازندران تا حدود قزوین پیشروی کرده در آنجا با ستونی که از آذربایجان می‌آمد تلاقی کردند. ستون سوم از بندر شاه (بندر ترکمن) وارد خاک ایران شده، استان‌های گرگان و شمال خراسان را متصرف و تا سمنان و شاهرود پیشروی کردند. نیروی هوایی شوروی هم شهرهای تبریز، رشت، قزوین و ارومیه را بمباران کرد. فردای آن روز نیز حومه تهران را بمباران و بر روی پایتخت اوراق تبلیغاتی علیه رضاشاه ریختند. در جنوب، نیروهای مختلط انگلیسی، هندی و استرالیایی نخست به وسیله قایق از اروند رود گذشتند و در سحرگاه سوم شهریور در ساحل ایران پیاده شدند و به آبادان حمله کردند. هم‌زمان نیروی دریایی انگلیس، نیروی دریایی جوان ایران را با وجود مقاومت دلاورانه دریاداران ایران در خرمشهر و آبادان زیر آتش توپخانه قرار دادند و ناوگان ایران را یکی پس از دیگی غرق کردند. روز بعد نیز نیروی هوایی انگلیس فرودگاه اهواز را بمباران کرد و از طریق رود کارون به این شهر حمله برد. ستون دوم ارتش انگلیس هم از مرز خسروی به سوی کرمانشاه پیشروی کردند و با وجود مقاومت نیروهای ایرانی پس از تصرف تأسیسات نفتی کرمانشاه، به سوی قزوین و اراک رفته و این دو شهر را گرفتند. در روز شوم سوم شهریور ۱۳۲۰، ارتش وقت ایران در وضعیت و توان پدافندی در برابر چنین تجاوزی از سوی ابرقدرت‌های وقت نبود و نیروهای ایرانی در این مرحله مجبور به تسلیم بودند. رضاشاه روز ۲۵ شهریور -۲۲ روز پس از آغاز تجاوز دشمن- از سلطنت استعفا داد و بلافاصله به سوی اصفهان و بندرعباس رهسپار شد تا به دست نیروهای متجاوز انگلیس از کشور تبعید شود. در واقع مراسم اجرای سوگند شاه جدید روز ۲۶ شهریور هم‌زمان با ورود نیروهای شوروی و انگلستان و اشغال پایتخت صورت گرفت. تبدیل به یک قدرت هژمونیک/سروری در منطقه، فرایندی پیچیده و واجد جنبه‌های نظامی، اقتصادی و سیاسی است. ایران با تاب‌آوری در تجاوز نظامی ۱۴۰۴ نشان داد واجد جنبه‌های نظامی سروری در منطقه غرب آسیا و شرق خاورمیانه شده است. واژه یونانی هژمونی از واژه یونانی «هژمون» به معنای رئیس یا فرمانروا می‌آید. هژمونی امروزه عمدتا واژه‌ای متعلق به عرصه روابط بین‌الملل است و بر برتری یک کشور بر کشورهای دیگر اشاره دارد. این برتری محصول قدرت نظامی، سیاسی و اقتصادی است و در کل به معنای سروری برآمده از توان سخت‌افزاری و نرم‌افزاری است. در ۱۳۲۰ در دوران جنگ جهانی دوم، ایران توسط بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی اشغال و شاه ایران از سوی متجاوزان دستگیر و از کشور تبعید شد. ایران هیچ ظرفیت نظامی، اقتصادی یا دیپلماتیکی برای سروری در منطقه نداشت و در یک جنگ جهانی، یک بازیگر کوچک در منطقه بود. ایران امروز یک قدرت منطقه‌ای، دست‌کم در عرصه نظامی است. اما قدرت ایران هنوز «هژمونیک» یا سروری به معنای حاکمیت در همه زمینه‌های نظامی، اقتصادی و دیپلماتیک نیست. برای تبدیل به چنین قدرتی، کشور ما علاوه بر تکمیل نیروی نظامی و ارتقای نیروی هوایی و دریایی خود، نیازمند اقتصادی شکوفا و تسلط کامل بر منابع انرژی متنوع و تسلط دیپلماتیک دست‌کم بر شرایط منطقه پیرامون است. ایران با در نظر گرفتن منابع زمین‌شناختی و فناوری‌های نوین، می‌تواند به یک قدرت منطقه‌ای هژمون به‌ویژه از نظر اقتصادی تبدیل شود. ایران دارای ذخایر عظیم نفت و گاز طبیعی است. کنترل کامل و بهره‌برداری وسیع و نوین از این منابع، اهرم فشار اقتصادی و سیاسی قابل توجهی را فراهم می‌کند. ایران دارای ثروت معدنی ویژه‌ای از سنگ آهن و مس تا کانسارهای نادر است که پایه اقتصاد مدرن صنعتی و صادرات کشور است. پیشرفت در توسعه صنعت نفت و گاز، انرژی‌های تجدیدپذیر خورشیدی، بادی و فناوری هسته‌ای می‌تواند استفاده از منابع و استقلال انرژی را به حداکثر برساند. سرمایه‌گذاری در فناوری پهپاد، توسعه موشکی و قابلیت‌های سایبری، در حال حاضر به ایران، نفوذ منطقه‌ای بخشیده است. نوآوری مداوم در این زمینه‌ها می‌تواند قدرت نظامی کشور را تقویت کند. استفاده از هوش مصنوعی برای مدیریت منابع، بهینه‌سازی زیرساخت‌ها و امنیت می‌تواند مزیت رقابتی ایجاد کند. ترکیب ثروت منابع با پیشرفت‌های فناوری می‌تواند به ایران اجازه دهد سروری و هژمون اقتصادی و نظامی در منطقه بیابد و به‌طور بالفعل به یک موقعیت هژمونیک دست یابد. این امر به ثبات داخلی، مشارکت همه مردم، پویایی‌های منطقه‌ای و روابط بین‌الملل عالی بستگی دارد. این موضوع به باور نگارنده کار فردای پس از جنگ اسفند ۱۴۰۴ برای ما ایرانیان است.

خبرخوانی

بمب‌های هوش مصنوعی در جنگ با ایران

جنگی که اسرائیل و آمریکا علیه ملت ایران برافروخته‌اند، تبدیل به صحنه‌ای برای آزمودن آخرین فناوری‌ها در عرصه تبلیغات جنگ شده است. به گزارش ایرنا، در این زمینه برخی رسانه‌های غربی گزارش‌های متعددی را با موضوع راستی‌آزمایی اخبار و محتواهای جعلی منتشر کرده‌اند. به گزارش «بی‌بی‌سی» نمونه‌های متعددی از ویدئوهای تولیدشده با هوش مصنوعی و تصاویر ماهواره‌ای جعلی برای انتشار ادعاهای نادرست و گمراه‌کننده درباره این درگیری به کار رفته‌اند؛ محتوایی که در مجموع صدها میلیون بار در فضای آنلاین دیده شده است. یک کارشناس رسانه‌های دیجیتال در دانشگاه فناوری کوئینزلند می‌گوید: «مقیاس این مسئله واقعا نگران‌کننده است و این جنگ باعث شده دیگر نتوان آن را نادیده گرفت». همچنین، به گزارش «یورونیوز فارسی» افزایش تنش‌ها میان ایران، اسرائیل و ایالات متحده موجی از ویدئوهای جنگی پربازدید را در اینترنت به راه انداخته است، اما بسیاری از ویدئوهایی که میلیون‌ها بازدید کسب می‌کنند، گمراه‌کننده هستند، به اشتباه زیرنویس شده، از بازی‌های ویدئویی برداشته شده یا کاملا با هوش مصنوعی تولید می‌شوند. هوش مصنوعی با خودکارسازی تولید و انتشار هدفمند اطلاعات، تحلیل کلان‌داده‌ها برای شناسایی آسیب‌پذیری‌های شناختی و ادغام در عملیات روانی، رسانه را از ابزار اطلاع‌رسانی به میدان نبرد شناختی تبدیل کرده است. این تحول، مرز میان جنگ نظامی و اطلاعاتی را محو می‌کند و جنگ اطلاعاتی را به رکن اصلی تاکتیک‌های ترکیبی مدرن ارتقا می‌دهد. سنتز داده‌ها نشان می‌دهد که پیشرفت‌های هوش مصنوعی، استراتژی‌های رسانه‌ای را در جنگ‌های نوین متحول کرده و با تولید محتوای شخصی‌سازی‌شده و انتشار هدفمند اطلاعات نادرست، ادراک عمومی را دستکاری می‌کند. این امر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد و میدان نبرد را به ساحت شناختی منتقل می‌کند. از این‌رو درک عمیق از این تعاملات برای مقابله با تهدیدات و بهره‌گیری از فرصت‌های ناشی از این تحولات ضروری است.

یادداشت

مقاومت، به‌مثابه سبک زندگی روزمره

عاطفه مرادی اسلامی
پژوهشگر ارشد اندیشکده حکمرانی شریف

چه کسی تصور می‌کرد از کامرانیه تا بلوار ابوذر، از میدان کاج تا تهرانپارس، علی‌رغم شکاف اجتماعی شکل‌گرفته در دهه‌های اخیر، زنجیره انسانی مراقبت از ایران شکل بگیرد؟ زنجیره‌ای با سر و شکل‌های متفاوت اما پرچم واحد. چه کسی فکر می‌کرد روزی برسد که تهران، این شهر مسحورشده در مال‌ها و برندها، رؤیای اُم‌القرابودن در زیست‌بوم جهان اسلام را به‌واقع زیست کند؟ و این معجزه زیستن در سایه جنگ است که مقاومت را از کلمه به کنش، از رؤیاپردازی به خلق میدان عملیات و از تصور به تصدیق تبدیل می‌کند. حالا دیگر مقاومت نه یک فانتزی دور از دسترس، بلکه یک کنش خلاق روزمره است که به میزان باورمندی کنشگران توسعه پیدا می‌کند. مقاومت نه یک اقدام دفعی و مقطعی، بلکه یک سبک زندگی آگاهانه است. در این موقعیت ویژه، تجربه معنوی، نه یک حالت روحانی خاص، بلکه یک باور پویای زنده است که لحظه به لحظه کنشگران صحنه را راهبری می‌کند و به پیش می‌برد. ایمان، دیگر نه یک فضیلت اخلاقی شخصی که یک ضرورت اجتماعی برای حکمرانی و موتور تاب‌آوری اجتماعی در برابر عدم قطعیت‌هاست. و این همان جلوه اسلام ناب محمدی است که امامین انقلاب سال‌ها و بارها به آن اهتمام ورزیده‌اند و اکنون، در این موقعیت تاریخی، واضحا و واقعا تجلی عینی یافته است بی‌آنکه اسیر کلمات شود. اسلامیتی که نه‌فقط در سجاده‌ها بلکه در سر چهارراه‌ها و میادین شهری جنگ‌زده و زیر بمباران، هل من مبارز می‌طلبد. و جمهوریتی که وطن‌بانی را با هر زبان و قومیت و طبقه‌ای، مأموریت اجتماعی خود تلقی می‌کند. در این عرصه چند کارویژه اجتماعی فرهنگی ضروری است:

۱. بازیابی نمایندگی‌های اجتماعی متکثر حول حفظ ایران: در این موقعیت تاریخی، امتداد این ایمان سازنده در ظرف‌های متکثر و متنوع کنشگران صحنه یکی از مأموریت‌های ماست. فقدان نمایندگی اجتماعی چالشی است که حکمرانی ما همواره با آن گریبانگیر بوده؛ در نبود احزاب سیاسی کارآمد، قدرت اجتماعی غالبا نه با سازوکارهای مردمی بلکه با راهبری اشخاص صاحب نفوذ یا پنجره فرصت حاصل از رویدادهای مقطعی تنظیم و توزیع شده است. موقعیت جنگ، فرصتی است برای تعریف و شناسایی نمایندگی‌های اجتماعی متکثر ذیل آرمان واحد حفظ ایران. قرار نیست همه ایرانیان مسجد را پایگاه کنشگری خود انتخاب کنند، اما ضرورت شهروندی یکایک ماست که با هر سلیقه و تفکر سیاسی، زنجیره انسانی وطن‌بانی و حفظ هویت و کیان کشور را تکمیل کنیم. بنابراین گروه‌های اجتماعی-سیاسی مختلف در شرایط خاص فعلی باید به شکلی خودجوش و خلاقانه به بازیابی نقش و مأموریت خود برای حفظ ایران اقدام کنند.

۲. گشودگی سیاسی نه به‌عنوان یک تکنیک رسانه‌ای بلکه به‌عنوان یک تاکتیک حکمرانی: در شرایط فعلی بیش و پیش از وزن‌کشی احزاب و جریانات سیاسی در مدیریت بحران، ثبات سیاسی و بازگشت آرامش به ساختارها ضرورتی حیاتی است. موقعیت جنگ، فرصتی است برای بلوغ جریان‌های سیاسی-اجتماعی کشور که سطح درگیری را به رقابت‌های جناحی تنزل ندهند و با اهتمام بر حفظ همه نیروهای متکثر ایرانی ذیل آرمان واحد حفظ ایران از تمامیت ارضی و هویت یکپارچه ایران در برابر بیگانگان حراست کنند. ضرورتی که دهه‌ها نادیده گرفته شد و منجر به تعمیق شکاف‌های اجتماعی و طرد بخشی از ظرفیت‌های جمهوریت نظام شد. بنابراین از هرگونه کنش میدانی مناقشه‌برانگیز از محتوای شعارهای شبانه تا بیانیه‌های سیاسی و موضع‌گیری‌های رسانه‌ای باید پرهیز شود.

۳. آزادسازی ظرفیت‌های زنان به‌مثابه پیشران‌های تاب‌آوری اجتماعی: جنگ رمضان، جنگی مردانه نیست؛ حضور پررنگ زنان در تجمعات میدانی شبانه، پیام زندگی و ایستادگی را به جامعه مخابره می‌کند و قدم‌ها را ثابت نگه می‌دارد. قطعا ادامه‌یافتن شرایط جنگی، تاب‌آوری بیشتری را از سمت جامعه می‌طلبد که تحقق آن منوط به آمادگی خانواده‌های ایرانی و در رأس آن مادران و همسران است. اهتمام به حضور زنان در میدان جنگ رسانه‌ای و اجتماعی، مأموریتی است فوری و مهم که با «خلق روایت‌های دسته اول» از واقعیت جنگ در ایران و تأثیراتی که بر زندگی ایرانی می‌گذارد، بسیج عمومی و تقویت سرمایه اجتماعی دفاع و نیز به‌روزرسانی سبک خانه‌داری و مدیریت اقتصادی خانه متناسب با شرایط بحران، عملیاتی می‌شود.